

سوگندهای خداوند به زمان در قرآن کریم

زینب ترابی*

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۳

علی فلاح**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۵

محمد لبافچی***

چکیده

نگاه علمی و فرهنگی به قرآن کریم به عنوان دیدگاهی والا و متأثر از فرهنگ ناب اسلامی، راهکار ارزنده‌ای است که با اعطای بینش و نگرشی دینی به مفسران و قرآن‌پژوهان، برآن است تا زوایای گوناگون کتاب وحی الهی را بر تمامی ره‌پویان فرهنگ و معارف اسلامی آشکار نماید. آنچه در این جستار بدان پرداخته خواهد شد، بررسی آیات شریفه‌ای از قرآن کریم است که سوگندهای خداوند به بخش‌های مختلف زمان را در بر می‌گیرد. هدف مقاله حاضر بررسی و تبیین یکی از عرصه‌های آموزنده قرآن کریم است که متضمن سوگندهای عبرت‌آموز خداوند به مصادیق مختلف زمان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سوگند خداوند، عناصر زمان، قرآن کریم، صبح، عصر، فجر.

مقدمه

پیش از طلوع خورشید عالم‌افروز اسلام از دامان پاک بزرگ‌مردی به نام محمد(ص) در سرزمین عرب جاهلی، نظیر بسیاری از نقاط دیگر دنیا، رسم بر آن بود که برای تأکید کلام و اثبات درستی گفتار خود سوگند یاد می‌کردند. بسامد بالای سوگندهای قرآن کریم و توجه خاص خداوند به موضوع زمان در میان این سوگندها، بیانگر عظمت و جایگاه والای زمان از منظر خداوند متعال است. در این پژوهش مصادیق مختلف سوگندهای خداوند به زمان در قرآن کریم، با نگاهی به برخی تفاسیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سوگندهای مربوط به زمان در قرآن کریم

«زمان» به عنوان یکی از شگفت‌انگیزترین مظاهر آفرینش و نیز یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های ارزشمند گیتی، سرمایه بی‌نظیری است که مصادیق مختلف آن در قرآن کریم مورد سوگند خداوند واقع شده است.

سوگندهای پربار قرآن کریم که دریایی از معارف را در خود نهفته دارد، از زاویه‌ای می‌تواند کلید فهم علوم و دانش‌های مختلف باشد؛ زیرا سبب بسیج اندیشه آدمی پیرامون موجوداتی می‌شود که خداوند بدان‌ها سوگند یاد کرده است، و بدین ترتیب رازهای مهم و علوم جدید برای انسان کشف می‌شود.

یکی از اهداف عمده سوگندهای عبرت‌آموز قرآن کریم را می‌توان، اهمیت موضوعی که درخور سوگند خداوند واقع شده دانست؛ زیرا بدیهی است مقصود خداوند از سوگند یادکردن به برخی مظاهر پرشکوه عالم هستی، اعطای بصیرت و بینش عمیق‌تر به انسان است. در واقع خداوند می‌خواهد با اهتمام به این امور ارزشمند و تکرار سوگندهای مرتبط با آن اذهان آدمیان را بدان‌ها معطوف نماید، تا انسان‌ها به سادگی از این مسایل بزرگ چشم‌پوشند، و با ارتقای سطح بینش خود افق دید بالنده‌تری بیابند(احمدی نیک، فصلنامه مطالعات قرآنی: ۱۱-۲۶).

در حدود ده سوره از مجموع سوره‌های متضمن سوگندهای خداوند در قرآن کریم، قسم‌های خداوند به زمان دیده می‌شود. از این تعداد دو سوره مدثر و قیامت در جزء بیست‌ونهم، و دیگر

سوره‌های حاوی سوگند به زمان، در جزء پایانی قرآن کریم واقع شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان آیاتی را که در آن‌ها به بخشی از زمان سوگند یاد شده، جزو آیات مکی و سوره‌های متضمن این سوگندها را سوره‌های مکی به شمار آورد. این نکته در کتاب «تاریخ قرآن کریم» نیز تأکید شده که: «کثرت سوگند از ویژگی‌های شایع آیات و سوره مکی است، که با اسلوب‌های تازیان نیز هماهنگی دارد» (حجتی، ۱۳۸۲: ۷۸).

شکوه‌مندترین جلوه‌های مربوط به زمان در قرآن کریم در سوگندهای خداوند به بخش‌های مختلف زمان تجلی یافته است؛ و آنچه در این میان جلوه درخشان‌تری دارد، سوگند خداوند به زمان در سوره «عصر» می‌باشد. این سوره مبارکه که آخرین سوگند قرآن کریم را در خود جای داده، با وجود حجم بسیار کم آیات، حجم قابل توجهی از آراء و نظریات مفسران بزرگ را به خود اختصاص داده است. علت عمده این امر را می‌توان اقوال گوناگونی که درباره واژه «عصر» بیان شده دانست؛ زیرا تعیین معنای دقیق این واژه، از مباحث چالش برانگیز سوگندهای قرآنی به شمار می‌رود. با این مقدمه ابتدا سوگند خداوند به عصر، و پس از آن دیگر سوگندهای مربوط به زمان در قرآن کریم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سوگند به عصر

۱. آیه:

﴿وَالْعَصْرِ﴾ (عصر/۱)

«سوگند به عصر» [غلبه حق بر باطل].

قول مشهور در تفسیر این آیه آن است که مراد از عصر، دهر یا روزگار می‌باشد. تفاسیر «نمونه»، «کشف‌الأسرار»، «مخزن‌العرفان» و بسیاری از تفاسیر دیگر واژه عصر را به معنای زمان، دهر یا روزگار دانسته‌اند.

به اعتقاد آیت‌الله مکارم‌شیرازی مناسب‌ترین تفسیر، همان عصر به معنای زمان است؛ زیرا سوگندهای قرآن کریم همواره متناسب با مطلبی است، که سوگند به خاطر آن یاد شده؛ و مسلم است که خسران انسان‌ها در زندگی، نتیجه گذشتن زمان عمرشان می‌باشد. ایشان در ادامه

حکایتی از تفسیر فخر رازی آورده‌اند که خلاصه آن چنین است: «بزرگی می‌گوید من معنای این سوره را از مرد یخ‌فروشی آموختم که فریاد می‌زد: «ارحموا من ینذوب رأس ماله»: رحم کنید بر کسی که سرمایه‌اش ذوب می‌شود! پیش خود گفتم این است معنای ﴿ان الانسان لفی خس﴾؛ عصر و زمان بر او می‌گذرد و عمرش پایان می‌گیرد و ثوابی کسب نمی‌کند، و در این حال زیان کار است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳۷: ۲۹۴-۲۹۶).

از آنجا که زمان بنفسه وجود خارجی ندارد، در شأن سوگند خداوند نمی‌باشد؛ مگر آنکه مراد از «عصر» عالم دهر باشد؛ زیرا عالم دهر ظرف زمان و روح زمان و محیط برآن است، و جامع تمامی آنات و ساعاتی است که آن را زمان می‌نامیم؛ و در این صورت لایق است که مورد سوگند خداوند واقع شود. عصر در این معنا جامع تمامی احتمالات نقل شده در تفاسیر خواهد بود؛ اگر مراد از عصر نماز عصر باشد، از حیث مزیت نسبت آن نماز به پاره‌ای از زمان خواهد بود که در وقت عصر واقع شده و آن لحظه نیز داخل در کل زمان محسوب می‌شود، عصر پیامبر(ص) نیز در بخشی از زمان واقع است، لحظه عصر و غروب آفتاب نیز داخل در زمان است؛ پس زمان به اطلاق می‌تواند جامع تمامی این احتمالات باشد (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۲۶۵-۲۷۰).

قرشی نیز بهترین معنا را دهر می‌داند؛ به اعتقاد وی از میان همه اقوال، یکی عصر نبوت قابل دقت است، و دیگری عصر به معنی دهر و روزگار، لیکن قول دوم ارجح است؛ زیرا در آن صورت تناسب قسم با مقسم به بهتر روشن می‌شود (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲: ۳۴۵-۳۴۶). «خداوند قسم یاد می‌کند به ایام دهر، که محل عبرت ناظر است و اثر قدرت آن قادر» (میبدی، ۱۳۵۷، ج ۱۰: ۶۰۷). در قرآن کریم سوگند به «عصر» تنها در همین یک مورد دیده می‌شود؛ اما هرگاه این واژه را به معنای هنگام عصر و لحظات پایانی روز در نظر بگیریم، در سوره انشقاق نیز سوگندی یاد شده است که بسیاری از مفسران آن را سوگند به لحظات پایانی روز و زمان غروب خورشید دانسته‌اند.

۲. آیه:

﴿لَا أَقْسِمُ بِالشَّفَقِ﴾ (انشقاق/۱۶)

«نه، نه، سوگند به شفق».

«شفق» که همان آمیخته شدن روشنایی روز در تاریکی شب می باشد، در برخی تفاسیر به معنای تمام روشنایی روز، و در برخی دیگر به معنای آخرین لحظات باقی مانده روز آمده است. در تفسیر «روض الجنان» آمده که: «مجاهد مراد از شفق را همه روز، و عکرمه باقی مانده روز دانسته است، و دیگر مفسران شفق را سرخی برجای مانده هنگام فروشدن آفتاب دانسته اند» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲۰: ۲۰۰). در برگزیده «تفسیر نمونه» ظهور شفق، اعلام پایان روز و آغاز شب دانسته شده که هنگام اذان مغرب است، و خداوند برای تفکر در این پدیده زیبای آسمانی، به شفق سوگند یاد کرده است (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۴۵۰). «این ساعت برای شخص مؤمن، بسیار مغتنم باشد و نباید از آن صرف نظر کرد» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۶: ۲۳۹).

سوگند به صبح

از میان سوگندهای مربوط به زمان در قرآن کریم سوره های مدثر، تکویر و فجر قسم هایی را در خود جای داده اند، که سوگند خداوند به صبحگاهان، در ضمن آیات شان مندرج است. این سوگندها که مبین قداست و شرافت زمان صبحگاهی می باشند، به صورت های متفاوتی بیان شده اند:

۱. آیه:

﴿وَالصُّبْحِ إِذَا اسْفَرَ﴾ (مدثر/ ۳۴)

«سوگند به بامداد چون آشکار شود».

در این آیه به سپیده صبح سوگند یاد شده است. «اسفار صبح» یعنی هویداگشتن صبح و بیرون شدن آن از پرده شب (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: ۲۹۰).

۲. آیه:

﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ (تکویر/ ۱۸)

«سوگند به صبح چون دمیدن گیرد».

صاحب «المیزان» تنفس صبح را بدین مناسبت می داند که صبح، نور خود را در افق می گستراند و ظلمتی که افق را فرا گرفته بود، از بین می برد (همان: ۵۲۸). در «تفسیر راهنما»

نفس تازه کردن صبح، کنایه از رفع موانع نور خورشید دانسته شده است، گویا روز از حبس شب رها شده و در هوایی آزاد نفس می‌کشد. عظمت صبح در فرحناکی و به کام بودن آن است (هاشمی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۱۹۲-۱۹۳). «هنگامی که خداوند به شب و روز سوگند یاد می‌کند، واژگانی را به کار گرفته است که تصویرسازی می‌کند، و آهنگ آرامی را به گوش می‌رساند. از آیه فوق نور فجر دیده می‌شود و با آیه آواز گنجشک و بانگ خروس به گوش می‌رسد و احساس حرکت و جنب و جوش و نشاط به دست می‌دهد» (ممتحن، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴: ۱۸۳).

گزینش الفاظ در سرتاسر قرآن کریم به گونه‌ای است، که هیچ واژه‌ای برای رساندن مقصود بهتر نمی‌تواند جایگزین دیگری شود. به عقیده نگارنده «گنجینه معارف» واژه «صبح» در آیه فوق دلالت بر نوری دارد، که به تدریج در تاریکی نفوذ کرده و هستی را پر از روشنایی می‌کند. تردیدی نیست که واژه «فجر» نیز بر پاره‌ای از معانی صبح دلالت دارد. اما باید دانست «فجر» به معنای شکافتن تاریکی و آغاز پایان یافتن تاریکی است، و لذا همراه با «لیالی» ذکر می‌شود. نظیر کلام خداوند در فرازهای آغازین سوره فجر؛ زیرا لیل با فجر در معنا هماهنگ است و مراد از آن در این سوره، فقط پایان شب‌هاست. در حالی که واژه صبح بر ابتدای روز دلالت دارد (طاهری، ۱۳۶۲: ۴۴-۵۰).

۳. آیه:

﴿وَالْفَجْرِ﴾ (فجر/۱)

«سوگند به سپیده‌دم».

«فجر» به گفته‌ی راعب به معنای شکافتن است. گناه را از آن جهت فجر گویند که پرده دیانت را پاره می‌کند، و صبح را از آن جهت فجر گویند که پرده سیاه شب را می‌شکافد (قرشی، ۱۳۸۱: ۱۵۲).

به باور گروهی مراد از «فجر» سپیده‌دم تمامی روزهاست، و خداوند به آغازین لحظات همه روزها سوگند یاد کرده است؛ اما به باور برخی مراد از آن سپیده‌دم ذی‌الحجه است (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۶: ۱۰۱۴). سوگندهای این سوره برای نمایاندن حقیقتی است که از مفاهیم این سوگندها در ضمن آیات بعد می‌توان دریافت. بیش‌تر مفسران این سوگندها را با روزها و شب‌های

خاصی تطبیق داده‌اند، اما این تطبیق‌ها قرینه روشنی ندارد. در واقع الف و لام «والفجر»، همین فجر مشهود را می‌نمایاند. فجری که عادت، عظمت و قدرت، آن را از نظرها پوشانیده است؛ همان طور که پس از سلطه شب، اشعه با اقتدار خورشید، پرده تاریکی را پی‌درپی می‌شکافد و سرچشمه نور را از میان افق منفجر می‌نماید (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۴۳).

گرچه سوگندهای خداوند به صبحگاهان، تحت عنوان «سوگند به صبح» بررسی شد، باید دانست مراد از فجر، آغازین لحظات پایان یافتن تاریکی یعنی بعد از سحر و پایان شب است؛ حال آنکه مراد از صبح، آغاز روز است که بلافاصله بعد از فجر شروع می‌شود. از طرفی عبارت «از اسفر» آشکارشدن صبح، و «اذاتنفس» گسترده‌شدن صبح را می‌رساند. بدین ترتیب با پایان یافتن شب، ابتدا فجر طلوع می‌کند سپس صبح آشکار شده و بعد از جلوه‌گری به تدریج گسترده‌تر می‌شود تا به روز روشن وصل شود.

سوگند به روز

در قرآن کریم روز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مظاهر قدرت الهی، با تعابیر متفاوتی مورد سوگند واقع شده است. روز برای انسان از آن روی مهم است که بیش‌تر امور سرنوشت‌ساز زندگی در این مقطع از زمان صورت می‌گیرد، و بدین ترتیب رسیدگی به بسیاری از اعمال آدمی در عالم آخرت نیز منوط به اموری است که در طول روز انجام داده است. آیات مشتمل بر سوگندهای خداوند به بخش‌های مختلف روز عبارت‌اند از:

۱. آیه:

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ (شمس/۳)

«سوگند به روز، چون [زمین را] روشن گرداند».

به فرموده آیت‌الله مکارم شیرازی سوگند به روز به دلیل تأثیر فوق‌العاده آن در زندگی بشر، و تمامی موجودات زنده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۵۳). این آیه متضمن سوگند خداوند به روز در لحظه فروغ‌افکندنش بر زمین است. بنابراین پیدایش روز و درخشان‌شدن زمین به وسیله آن، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است (هاشمی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۴۹۷).

۲.آیه:

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ (لیل/۲)

«سوگند به روز، چون جلوه‌گری آغازد».

این آیه سوگند خداوند به هنگامی است که روز کاملاً تجلی و بروز کند، و مراد نزدیکی‌های ظهر هنگام اوج‌گرفتن خورشید در پهنای آسمان است. در واقع مراد از بیان این ظرافت‌ها و تکرارها آن است که علاوه بر مجموعه روز، حالات مختلف روز و شب نیز هر یک نشانه‌ای مستقل و جداگانه‌اند، و می‌توانند محل سوگند خداوند واقع شوند. در تفسیر «منهج الصادقین» آمده: «چون وجود لیل و نهار از اعظم نعم الهی‌اند و مصالح عظیمه منوط به وجود هر دو است، از این جهت حق سبحانه مکرر به آن‌ها قسم یاد فرمود و افتتاح سوره به آن‌ها کرد» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱۰: ۲۶۴).

۳.آیه:

﴿وَالضُّحَى﴾ (ضحی/۱)

«سوگند به روشنایی روز».

اینکه مراد از آیه فوق سوگند خداوند به بخشی از روز بوده یا تمام روز، جای بحث فراوانی در تفاسیر دارد؛ و اینکه چرا خداوند مراد خود را در چنین سوگندهایی به تفصیل بیان نکرده، و قراین خاصی برای دستیابی به نتیجه واحد به دست نداده، درخور تأمل بسیار است. در تفسیر هدایت آمده: «چون هدف سوگند، برانگیختن قلب‌ها و کوفتن درهای بسته آن است، بنابراین گاه اجمال و نامعین‌بودن آن موردپسند است؛ بدان جهت که بر هولناک‌بودن، فخامت و عظمت آن می‌افزاید» (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱۸: ۸۳). «ضحی آنگونه که در مفردات راغب آمده، به معنای گسترده‌شدن نور خورشید است، و بعدها آن زمانی را که نور خورشید گسترده می‌شود نیز ضحی نامیدند» (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: ۷۱۹).

به گفته راغب: «خداوند به تمام حقایقی که در پهنه آفرینش نقش حیاتی دارند، سوگند یاد می‌کند؛ سوگند همان گواه‌بودن است و مورد سوگند شکوه و عظمت آن را به خوبی نمایان می‌کند» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۴۰). به اعتقاد شیخ طبرسی سوگند در این آیه به تمام روز

و روشنایی آن است، و دلیل آن نیز آیه بعد است که شب در برابر روز قرار گرفته است (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۶: ۱۱۳۵). در حالی که به اعتقاد آیت‌الله مکارم‌شیرازی ضحی تمام روز نیست؛ بلکه قسمتی از روز است که آفتاب در زمین گسترده شده و سراسر زمین را فرا می‌گیرد؛ یعنی هنگامی که دو سه ساعت از طلوع آفتاب گذشته باشد. قربانی حج نیز از آن جهت اُضحیه نامیده شده که در ابتدای روز عید قربان، ذبح می‌شود. «تکیه بر خصوص ضحی به خاطر اهمیت آن است؛ چون زمان سلطه نور آفتاب بر زمین است» (همان، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۵۴).

«آیه مبتنی بر سوگند به روشنایی وسط روز و تابش اشعه خورشید است، که جهان را فراگرفته و در اعماق زمین تأثیر به‌سزایی نهاده است» (حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۸: ۱۸۵).
سومین سوگند سوره فجر نیز به یک تفسیر در شمار سوگندهای خداوند به زمان (روز) محسوب می‌شود:

۴. آیه:

﴿وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ﴾ (فجر/۳)

«و به جفت و تاق».

«به اعتقاد برخی مراد از «شفع» روز ترویبه (هشتم ذی‌الحجه) و مراد از «وتر» روز عرفه است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۴۶۰-۴۶۲). موجودات دوگونه‌اند: گروهی مانند انسان‌ها که مذکر یا مؤنث‌اند، و گروهی که نر و ماده بودن در آن‌ها بی‌معناست؛ مانند کوه‌ها. شاید مراد از «شفع» گروه اول، و منظور از «وتر» گروه دوم باشد؛ یعنی قسم به تمامی کاینات. با این بیان مراد از آیه پنجم یعنی قسم به زمان و تمامی آفریدگان واقع در مسیر زمان، آیا در این سخن برای خردمند جای سوگند هست؟ (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲: ۲۱۲).

گاه در برخی سوگندهای مربوط به زمان در قرآن کریم مشابهت‌ها و تکرارهایی دیده می‌شود، که با اندکی تفاوت با اسلوب سوگندهای دیگر بیان شده است. این موضوع مبین حکمتی است که در دل این تکرارها نهفته است، گویا هدف جلب توجه مخاطب برای درنگ بیش‌تر بر روی سوگندهاست؛ زیرا در بطن هر تکرار علاوه بر تأکید، نکات بدیع و ظریفی دیده می‌شود که در سوگندهای مکرر خداوند به بخش‌های مختلف زمان لحاظ شده است. به عنوان مثال باید دانست

که «ضحی» و «عصر» هر دو زیرمجموعه روز می‌باشند؛ اما «ضحی» یعنی لحظات به اوج رسیدن روشنایی خورشید و کمال روز؛ در حالی که «عصر» یعنی هنگام غروب آفتاب و پایان روز. روز همراه با «اذاجلیها» لحظه‌ای است که روشنایی‌اش بر زمین پرتو می‌افکند، در حالی که روز همراه با «اذاتجلی» نزدیک ظهر است که خورشید در آسمان اوج می‌گیرد. پس «نهار» می‌تواند گاهی «اذاتجلی» باشد، گاهی «ضحی» و گاهی «اذاجلیها». یعنی ابتدا باید خودش روشن شود، و بعد به تدریج به کمال روشنایی برسد تا بتواند فروغ و روشنایی خود را بر زمین و اهل آن بگستراند.

سوگند به سحرگاه

خدای متعال در قرآن کریم به بخش‌ها و مصادیق مختلف زمان، از حیث تقسیمات شبانه‌روزی و حتی فراتر از آن به قیامت و آخرت سوگند یاد کرده است. تمامی این سوگندها به وضوح در ضمن آیات و سوره‌های مختلفی گنجانیده شده‌اند. سوگندهایی نظیر: «والفجر»، «واللیل»، «والنهار»، «والیوم الموعود» و...؛ هر کدام دست‌کم یک بار در برخی سوره‌ها دیده می‌شود. اما با آنکه لحظه سحرگاهان از منظر آیات و روایات جایگاه ویژه‌ای دارد، در هیچ‌یک از سوگندهای مرتبط با این زمان مقدس، واژه «سحر» به چشم نمی‌آید و به جای آن تعبیر «سوگند به شب آنگاه که پایان می‌پذیرد و سحر می‌شود» در سه سوره مدثر، تکویر و فجر دیده می‌شود. به نظر می‌رسد علت این امر عنایت به عظمت، فخامت و ابهت والای این زمان خاص باشد که اشتغال حجم عمده‌ای از اقوال و مرویات دینی بر این موضوع، شاهدهی بر این مدعاست.

در «کشف الاسرار» آمده: «چون وقت سحر باشد، جبار کاینات در علو و کبریایی خود خطاب کند که: «الا قد خلا کل حبيب بحیبه؛ فأین أحبائی» یعنی هر جا دوستی با دوست خود در خلوت و شادی آمدند؛ دوستان من کجایند؟» (میبدی، ۱۳۵۷، ج ۱۰: ۵۱۸).

۱. آیه:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا دُبِرَ﴾ (مدثر/ ۳۳)

«سوگند به شامگاه، چون پشت کند».

خداوند در این آیه به سحرگاهان سوگند یاد کرده است. «إِدْبَار» به معنای پشت کردن است، و مراد پایان یافتن شب و آغاز سحرگاهان است. پدیده سحر از پدیده‌های پراهمیت در زندگی بشری است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: ۲۹۰؛ هاشمی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۵۲۷). جمله «اذأدبر» در این سوگند به معنای انتهای شب و آغاز سحرگاهان است، که برکات معنوی در این زمان افزون تر است؛ زیرا انسان هنگام سحر بهتر از هر زمان دیگری می‌تواند با خدای خویش راز و نیاز کند.

۲. آیه:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ﴾ (تکویر/ ۱۷)

«سوگند به شب، چو پشت گرداند».

تاریکی شب در تمام طول مدت آن یکسان نیست؛ هرچه خورشید در افق پنهان تر شود، شب تاریک تر می‌گردد، تا آن که هنگام سحر به اوج تاریکی می‌رسد و با طلوع سپیده صبح، دوباره به تدریج روشن می‌شود. خداوند در این آیه به بخشی از شب که همانا سحرگاهان و اوج تاریکی شب است، سوگند یاد کرده نه تمام شب (منبع سابق). در تفسیر «راهنما» آمده «اذا» در «اذا عسَس» سوگند را به حالت خاصی از شب اختصاص داده است، و این نشان از برجسته‌تر بودن ارزش این حالت از شب دارد (هاشمی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۱۹۲-۱۹۳).

«عسَس» در «تفسیر نور» به معنای تاریکی رقیق آمده است، که هنگام پایان شب مشاهده می‌شود؛ به همین دلیل این آیه شبیه آیه ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ﴾ (مدثر/ ۳۳) می‌باشد (قرائتی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۹۸). هر جا سوگندهای قرآن به روز و شب مربوط شود، واژگان مناسبی گزینش می‌شوند که آهنگی آرام را به گوش می‌رسانند و صحنه زیبایی از زمان را در ذهن به تصویر می‌کشند. در آیه فوق «کلمه «عسَس» با چهار حرفش، شب را با همه آنچه در آن است به تصویر می‌کشد» (ممتحن، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۴: ۱۸۳).

۳. آیه:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسَّرَ﴾ (فجر/ ۴)

«و به شب، وقتی سپری شود».

سوگند در این آیه مبین آن است که ساعات پایانی شب که سالکان در آن به سیر و سلوک معنوی می‌پردازند، از عظمت خاصی برخوردار است (همان: ۴۷۲). آیه فوق راهرفتن در شب را به خود شب نسبت داده؛ گویی شب موجودی زنده و دارای حس و حرکت است که در تاریکی خود گام برمی‌دارد و به سوی صبحی روشن حرکت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶: ۴۶۳). قید «یسر» در این آیه، بهترین دلیل است که نشان می‌دهد مراد از سوگندهای این سوره زمان و گذشت زمان است، و گرنه قید «رفتن» را نمی‌آورد. فجر، لیالِ عشر، و لیل همگی جزو زمان، و همه در حرکت‌اند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲: ۲۱۲).

آیه پنجم این سوره با استفهام تقریری، پرسش تفکر برانگیزی مطرح کرده، و آدمی را به تأمل و تدبر در ژرفای سوگندهایی فرا می‌خواند که همگی با مصادیقی از زمان مرتبط‌اند؛ خواه مراد از این زمان‌ها ایام خاصی از جمله ماه رمضان، محرم و ... باشد و یا همه «فجر»ها و «لیل»ها را مراد کرده باشد.

سوگند به شب

شب نیز همچون روز یکی از پدیده‌های زیبای آسمانی و مظهر قدرت الهی است، که همواره آدمی را به تفکر در طبیعت و نظم حاکم بر آن فرا می‌خواند. گویا خداوند با تکرار سوگند به این پدیده‌ها، می‌خواهد به انسان بفهماند همه بسترها و مقدمات نیل به کمال سعادت مهیا است تا آدمی با عبرت‌آموختن از آن‌ها به پالایش دل و جان خویش از زنگار مصایب پردازد و با توسل به دامن شب، که جسارت ابراز ندامت را در انسان دوجندان می‌کند، وجود خویش را در مسیر کمال بیوراند. در «کشف الأسرار» آمده: «الله تعالی شب را مرتبتی و شرفی داد که آن را در قرآن مجید، محل قسم خود گردانید و این شرف از آن یافت که چون شب درآید، دوستان خدا همه در مناجات شوند» (میبدی، ۱۳۵۷، ج ۱۰: ۵۱۸). از مجموع قسم‌های خداوند به زمان آیات زیر مصادیقی از سوگند به حالات مختلف شب می‌باشد:

۱. آیه:

﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ﴾ (انشقاق / ۳۰)

«سوگند به شب و آنچه [شب] فرو پوشانده».

به اعتقاد علامه طباطبایی کلمه «وسق» معنای «ضم» یعنی جمع شدن چند چیز متفرق را می‌دهد. خداوند قسم یاد می‌کند به شب، که آنچه را در روز متفرق شده بود، جمع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: ۵۸۵).

آیه ۲:

﴿وَاللَّيْلِ عَشْرٌ﴾ (فجر/۲)

«و به شب‌های ده‌گانه».

این آیه مبین تفاوت شب‌ها در ارزش و فضیلت آن‌هاست. نکره آمدن «لیال» و سوگند به آن ده شب خاص، نشان از عظمت آن شب‌ها در میان تمام شب‌های سال دارد (هاشمی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۴۱۹). «لیال» که نکره موصوف به «عشر» آمده، نامعین و نامحدود بودن آن را می‌رساند. مراد از این واژه به قرینه آیه قبل و بعد، باید ده شب اول یا وسط همراه باشد؛ زیرا در این شب‌هاست که مانند سپیده‌دم، پرتو انعکاس نور، پرده تاریک را برکنار و شب را روشن می‌دارد. مقصود از این آیه هرچه باشد، شاهدی است از آیات آفرینش.

آیه ۳:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ (شمس/۴)

«سوگند به شب، چون پرده بر آن پوشد».

افعال در آیات پیشین این سوره، به صورت ماضی و در آیه فوق به صورت مضارع آمده است. این امر اشاره دارد به این که حادثی نظیر ظهور روز و شب، مخصوص زمانی نیست؛ بلکه گذشته و آینده را نیز شامل می‌شود. بنابراین گاهی فعل به صورت ماضی و گاهی به صورت مضارع آمده تا عمومیت این حادث را در بستر زمان روشن سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۵۶).

آیه ۴:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ (لیل/۱)

«سوگند به شب، چون پرده برافکند».

«در این آیه به شب، هنگامی که روز را فرا می‌گیرد، سوگند یاد شده است. احتمال هم دارد که مراد فراگیری زمین یا قرص خورشید باشد» (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: ۷۰۱). تعبیر به یغشی، اشاره‌ای است به اهمیت شب و نقش مؤثر آن در زندگی انسان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۸۷).
۵. آیه:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ﴾ (ضحیٰ/۲)

«سوگند به شب، چون آرام گیرد».

«این آیه سوگند خداوند به شب در زمان سیطره کامل تاریکی بر موجودات است. «سجی اللیل» یعنی شب با تاریکی خود، ستر شد و پوشاند (مصباح). اصل این کلمه بر آرامش یافتن و انطباق کامل دلالت دارد (مقایس اللغة)» (هاشمی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۵۴۹-۵۵۰). «مصدر «سجو» که فعل «سجی» مشتق از آن است، وقتی در کلمه «لیل» استعمال می‌شود، معنای سکونت و آرامش شب را می‌دهد. پس «سجو اللیل» آن هنگامی است که ظلمت شب همه جا را فرا گیرد» (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: ۷۱۹). این آیه سوگند به شب است، البته نه تمام شب؛ بلکه آن هنگام که تاریکی شب سراسر زمین را فرا گیرد، و آرامش ارزانی زمینیان گردد. شب و روز از نعمت‌های بی‌بدیل خداست؛ ولی سرحد کمالش آن است که در این سوره آمده؛ یعنی روز وقتی نعمت کامل است که ضحی باشد؛ زیرا چند ساعت بعد از طلوع آفتاب، روشنایی سراسر جهان را فرا گرفته و گرمای متعادل به همه موجودات می‌رسد. شب نیز زمانی به کمال می‌رسد که چند ساعت از آغازش بگذرد و تاریکی همه جا را فرا گیرد».

سوگند به قیامت

در دو مورد از سوگندها به یکی از سرنوشت‌سازترین مصادیق زمان، یعنی روز قیامت، سوگند یاد شده:
۱. آیه:

﴿لَا أَقْسِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (قیامت/۱)

«سوگند یاد نکنم به روز رستاخیز».

برای کلمه «قیامت» به عنوان تعبیری از آخرت از آن جهت که رستاخیز انسان را در یکی از بزرگ‌ترین مناظر زندگی به یاد شخص می‌آورد، در این آیه تأثیر نفسی خاصی وجود دارد. این برخاستن و قیام از آشکارترین تجلیات زندگی است؛ زیرا هیچ چیز تا به صورت کامل پرداخته و تمام نشود، قیام نخواهد کرد. خلاصه آنکه آیه فوق معنای سوگند و قسم به روز قیامت را دارد (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱۷: ۱۴۲).

۲. آیه:

﴿وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ﴾ (بروج/۲)

«و[سوگند] به روز موعود».

این آیه نیز سوگند خداوند به روزی بزرگ است که گریزی از آن نیست و وعده خدا به تمامی مخلوقات است. «منظور از روز موعود از دیدگاه همه مفسران و قرآن‌پژوهان، روزی است که انسان در برابر دادگاه خداوند و ثمره عملکرد خویش قرار می‌گیرد، و با داوری حق به جزای اعمالش می‌رسد» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۶: ۹۰۹). «روز قیامت وقتی است که هر چیزی به کمال اخیر خود می‌رسد؛ زیرا در آن روز تمام حرکات از کمی و کیفی و ... در موجودات متحرک به انتها می‌رسد» (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۷۷).

نتیجه بحث

پژوهش حاضر ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که بسامد بالای سوگندهای مربوط به زمان، نشان از توجه قرآن کریم و فرهنگ ناب اسلامی به تفکر در طبیعت، و آیات آفاقی عالم هستی دارد و غرض از تکرار این سوگندها، گنجانیدن نکته‌ای در مضامین آیات است تا نشان دهد که تمامی حالات روز و شب، پرمنزلت و در خور سوگند خداوند می‌باشد. اسلوب خداوند نیز در برجسته‌تر نمایاندن این منزلت، عدم وجود قرینه‌ای روشن برای تشخیص دقیق زمان در سوگندهای مربوط به حالات مختلف روز و شب است.

برداشت دیگر آنکه اعطای بصیرت و بینش به آدمی در پرتو سوگندهای خداوند شیوه‌ای تربیتی در آموزه‌های قرآنی است، که لحن استوار و مؤکد آن به‌ویژه در سوگندهای مربوط به

قیامت، بذر ایمان و اعتقاد به معاد را در دل‌ها شکوفاتر می‌کند. از این رهگذر هرگاه سوگندهای خداوند به قطعات مختلف زمان را مانند قطعات یک پازل در جایگاه مناسب خود قرار دهیم، درمی‌یابیم که خداوند دست‌کم یک بار به تمام مصادیق زمان سوگند یاد کرده است. این شواهد حاکی از آن است که عظمت پدیده زمان به عنوان سرمایه بی‌نظیر خدادادی، در حدی است که شرف آن را دارد تا بارها محل سوگند خداوند واقع شود؛ و پرواضح است که کم‌ترین حکمت سوگندهای خداوندی که نیازی به قسم‌خوردن برای بندگان ندارد، یادآوری اهمیت موضوعی است که مورد سوگند قرار گرفته است.

با این همه سوگندهای مربوط به زمان در قرآن کریم، به هر تفسیری که باشد، انذار و تبشیری از جانب خداوند است. انذار این سوگندها در آن است که بدانیم هر ضرر و زیانی قابل جبران است، مگر تباه‌ساختن عمر که خسارت‌های جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت؛ و بشارتش در آن است که هرگاه انسان ارزش لحظه لحظه‌های عمر گران‌بهای خویش را دریابد و بداند که خداوند، روز و شب را همچون دیگر مخلوقات، مسخر او گردانیده تا آن را نردبان ترقی سازد، در آن صورت عمر گران‌مایه را در جهت وصال به ذات اقدس حق و لقای الهی، که بزرگ‌ترین هدف خلقت اوست، صرف خواهد کرد و در فردوس برین عمر جاودانه خواهد یافت.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. ۱۴۰۸هـ.ق. **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بابایی، احمدعلی. ۱۳۸۲هـ.ش. **برگزیده تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین. ۱۳۶۱هـ.ش. **مخزن العرفان در تفسیر قرآن**. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- حجتی، سید محمدباقر. ۱۳۸۲هـ.ش. **تاریخ قرآن کریم**. تهران: زوار.
- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین. ۱۴۰۴هـ.ق. **انوار درخشان**. تهران: فرهنگ نشر نو.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد و غلامرضا خسروی. ۱۳۷۴هـ.ش. **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**. تصحیح غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. ۱۳۶۳هـ.ش. **الاتقان فی علوم القرآن**. تهران: امیرکبیر.
- طالقانی، سید محمود. ۱۳۶۲هـ.ش. **پرتوی از قرآن**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طاهری، حبیب‌الله. ۱۳۶۲هـ.ش. **درس‌هایی از علوم قرآنی**. قم: زائر(آستانه مقدسه قم).
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۶۶هـ.ش. **تفسیر المیزان**. تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۸۰هـ.ش. **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- قزائنی، محسن. ۱۳۸۹هـ.ش. **تفسیر نور**. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی‌اکبر. ۱۳۷۷هـ.ش. **تفسیر احسن الحدیث**. تهران: بنیاد بعثت.
- _____ . ۱۳۸۱هـ.ش. **قاموس قرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاشانی، ملافتح‌الله. ۱۳۶۶هـ.ش. **تفسیر منهج‌الصادقین فی الزام المخالفین**. تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۸۰هـ.ش. **تفسیر روشن**. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴هـ.ش. **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین. ۱۳۵۷ هـ. ش. **کشف الأسرار و عدة الأبرار**. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۵ هـ. ش. **تفسیر راهنما**. قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

مقالات

ممتحن، مهدی و مهین حاجی زاده. ۱۳۸۹. «**موسیقی و نظم آوایی قرآن کریم**». فصلنامه مطالعات قرآنی. جیرفت. سال اول. شماره ۴. صص ۱۷۳-۱۹۰.

احمدی نیک، سیدمهدی. «**قرآن، گستره معانی و رابطه آن با جاودانگی**». فصلنامه مطالعات قرآنی. دانشگاه آزاد جیرفت. دوره ۲. شماره ۶. تابستان ۱۳۹۰. صص ۱۱-۲۶.